

تولد در گلاب و آب خالص حل نموده بدستور این زمان نمایند و در شدت خارش  
 آب دوغ و کافور نیز زیاده فرمودند برای او را در حوض تخم خیارین نهاده  
 تخم خربزه نهاده ماشه اصل السوس مقشر چهار ماشه پرسیاوشان چهار ماشه اهل  
 شش ماشه تخم عظمی شش ماشه خار خشک شش ماشه تخم شاهتره شش ماشه  
 شب در عرق عناب اشکاب ده تولد عرق گاو زبان ده تولد گرم خیسایند  
 صبح مالیده صاف نموده شربت بزوری بارود و تولد ریخته شیر گرم بنوشند  
 برای او را در حوض و درم الرحم و السعال عناب پنج دانه اصل السوس مقشر  
 چهار ماشه تخم خیارین نهاده ماشه اصل السوس مقشر اهل کله نیلوفر شش ماشه  
 شب در عرق عناب اشکاب ده تولد عرق گاو زبان ده تولد ترکر ده خیسایند  
 صبح مالیده صاف نموده آب مروق عناب اشکاب پنج تولد شربت بزوری  
 ده تولد ریخته شیر گرم بنوشند برای او ز چه بعد ولادت در دسینه  
 و جمعی قلت نفاش داشت برک شبت چهار تولد برگ حله چهار تولد بزکمان تولد  
 نیمکوب کرده بر و عن گل چرب کرده در پوئی بسته نیکم کما و ساندند برای  
 استسحاقه مازومی نیز ماشه سوخته گلزار فارسی ماشه کز مانج  
 ماشه افیون یک ماشه سوخته کاغذ سوخته چهارم ببول سوخته کشته  
 ماشه دم الاخوین ماشه سوخته سنگی اوت ماشه سوخته در پوئی بسته  
 حصول سازند مطبوخ که در اجزای جنین مینماید او را در حوض تجویز فرمودند

ا بهل شش باشد پر سیاوشان شش باشد سداب شش باشد مشکطرا شش باشد  
 تخم خربزه شش باشد تخم خربزه شش باشد خاویزک پوست اطلس هفت باشد چاودر  
 قلع و ریم لار آب جوشانیده هر گاه نصف ماند صاف نموده شربت بزور سی آمیخته شود  
**برای خون حریض** پنج انجبار پنج ماشه بمرق عنب الثعلب نیم آمار  
 غیا سائیده مالیده صاف نموده دم الا خون کشه ماشه پاشیده بنوشند برای  
**جس طمش** جفت بلوط ماشه حب الاس ماشه کن در ماشه دم الا خون ماشه  
 سووه در پولی بسته حمل سازند **استحاضه** لعاب بهدانه ماشه  
 شیر تخم خرفه سیاه شش ماشه شیر پنج انجبار شش ماشه در عرق عنب الثعلب  
 دو توله عرق گاو زبان چهار توله عرق کیوژه چهار توله برآورده آب عنب الثعلب  
 دروق دو توله شربت نیلوفر دو توله حل کرده شیر گرم بنوشند **مفصل استخوان**  
 که با می شمس ماشه بسدر بخورم مرواید ناسفته بخورم تخم خرفه بخورم شلخ گوشت  
 ستم درم پوست بیضه مرغ ستم درم سوخته کتیرا ستم درم صمغ عربی ستم درم کشمش  
 یک و نیم درم بریان صدف عرق ستم درم تخم ششامش سفید ستم درم بزبالنج سفید  
 ستم درم کوفته بخیه در آب بازننگ سبز صهارتیار نماید **حمل استحاضه**  
 که طویل و مزمن شده باشد کتیرا پر با ماشه گل طنائی ماشه گبر و ماشه این خود ماشه  
 کوفته بخیه در لیمو بخورد **حمل استحاضه** در پیشه پیل  
 ماشه سوخته ابریشم سوخته ماشه مازوسی سبز سوخته ماشه موسی گو سفند

سوخته کوفته بختی در پارچه بسته عصاب کرده طرف قدام بردارند  
 ایضا برای جریان خون رحم و صلابت گل ارمنی داشته دم الاخون داشته  
 کوفته سفید داشته تخم خطمی داشته تخم حبابزی داشته گل بنفشه کوفته بختی در بهر برگ کوبیده  
 و برگ باتنگ نیز آینه حتمول سازند ترکیبیه برای زنان بجز  
 شده ترکیب لثه و که زنان را در موسم سرما بسیار مفید میدهند چهار  
 قند شکر روغن ماده گاو و دانه مغز بادام شیرین پا و دانه مغز پسته  
 نیم آنرا مغز گردگان نیمها و چرب و نجی بختوله گل پسته سکه توله گل و باوه  
 پختوله کثیر او و توله صمغ عربی سکه توله گل فلفل توله زنجبیل و توله بسیار  
 سکه توله مهبلیشه و توله کمر کس و توله جوز الطیب سکه توله قرفل گلدار  
 سکه توله تاج و توله پوست خرما پا و دانه مغز سوکمه و دانه ماشه مال کمانا  
 و توله کزمازج نه ماشه مائین خرد هشت ماشه ماز و سبزه و توله  
 پوست آمله و توله خار خشک و توله اوله و پسته و پسته و پسته و پسته  
 پارچه نیز نموده بیا میزند و کراهی بر و بگردان نماید آتش افروخته اول  
 میدارد در روغن گاو خوب بریان نماید تا که سرخ شود و در ظرفی بپزند  
 نگاهدارد و همین طو نشاسته راه در روغن فک کور سرخ نماید و علی و  
 نگاهدارند و من بعد همه او دید را در روغن مسطور بریان نموده  
 مالیده نشاسته بجز بی بیا میزند و میو بار را تراشیده و تاباشند

و قند را چاشنی نموده در سیده و نشاسته و اوویه و میوه بامین  
 و لذ و بوزن یک جوشانگ خواهد کم و بیش بنهند و یک لذ و هر روز  
 در اومت نمایند سو پاک سوشمه برای دفع مرض رسوت سوشمه  
 دو توله دانه الاچی سفید و توله بیج پات و توله ناکیسر و توله  
 طباشیر کب و توله زیره سیاه و توله زیره سفید و توله بادیا  
 و توله عاقر قرحا گجراتی و توله گوشت شیرین توله لونگ توله  
 ستاورد و توله بیاضه تریخدا الطیب و توله سنگه ماره و توله مغز کول  
 دو توله پوست بلبله و توله ناگر موته و توله اسکند ناگوری و توله  
 صند سفید و توله عود قناری و توله شح و توله سوزنی سفید  
 پاوشار کشمش پاوشار مغز اخروث سه توله مغز بادام شیرین  
 سه توله زعفران شمش ماشه چرب و نجی پاوشار پسته سه توله قمر نقل  
 توله کشنیز و توله نبات سفید و و شمار و عنق زرد و یک آثار خالص  
 شیر ماده گاوه و نیم آثار همه اوویه را کوفه بجسته نگار و شیر مذکور  
 که بوه نموده در روغن مذکور بریان نماید بعد از آن نبات چندی  
 توام ساخته همه اوویه بنید از و مقدار شربت از شش ماش  
 تا هشت ماشه الصیت گل فوغل پنجبول گل پسته پنجبول صمغ بلار  
 پنجبول بلی بیول پنجبول که مانع پنجبول شکله و پنجبول که کوندی نیم پاوه

خشک خام نیم پا و موصالی سفید نمپوله تال که مانا پختوله تمر بند می نیم پا و نمپول  
 پا و نار مقرر بند و آن پا و نار صمغ عربی نیم پا و بر روغن بریان که مانا نیم پا و نار  
 نشاسته یک نیم نار بر روغن بریان روغن گاو یک و نیم پا و شکر سفید  
 سه و نیم نار شیر گاو دو و نیم نار مغز نار جیل پا و نار چرب و نجی پا و نار مغز بادام نیم  
 خربا پا و نار شیر گاو در اول کموده نموده بعد شکر بقوام آورده نشاسته انداخته  
 بعد از آن ادویه بنجیه لند و تیار سازند و بیوه نیکوفته با نازند ایضا از کباب بند  
 دافع بر شو با ضمیم و قشقه و واقع شرم بار و در مقوی دل سوخته شش توله زیره سیاه  
 توله زیره سفید توله تخم شنبلیله توله سوگند بال توله لونگ توله جوتری توله  
 صندل سفید توله لوده گجراتی توله اهل توله اگر توله روغن ماده گاو شش توله  
 شکر سفید یک و نیم پا و اول زنجبیل را کوفته بنجیه و پنج آنار شیر کجوشانند  
 تا غلیظ شود پس روغن انداخته کفچه زنند بعد از آن شکر انداخته  
 بهم سرشته مثل حلوا پزند و ادویه داخل نمایند مقدار شربت بکنند  
 حریره اهل هستند زنان را بعد از آنکه دهند روغن زرد خوب  
 داغ کنند و میده داغ کرده خوب بریان نمایند بعد از آن قند سفید  
 یا قند سیاه شربت ساخته انداخته و بقاشق سیکردانند که سطر برسد  
 که بقاشق او ان اشامید و پیش از فرو دادن و او ای گرم مثل  
 فاضل دراز و فلفله و زنجبیل ناخواه از هر یک یک سیر شاهی کوفته

اصناف نمایند و بکار برند ترکیب هندی چون هر هزار بعد ولادت  
 استعمال سازند جهت ولادت و قطع سیلان آب فرج و تنگی زنان مستعمل  
 نشاسته شش ماشه زعفران دو ماشه الانچی خورشش ماشه جوز بواسه ماشه  
 قرنفل توله و ارچینی توله گل سپاری توله گل پسته توله خرباده و دام  
 نارچیل دو انزه دام مغز بادام شیرین نیم پاور و عنبر زرد نیم پاور مسک گنج  
 شکر پسته پاور ورق نقره سبت و پنج عدد و این دو در تقویت معده نیز مفید  
 و و اشک در روز زایشیدن بزچه مفید هند که فرج تنگ سازد  
 و شکم بحالت اصلی آرد و نفع عظیم بخشد با آب بزرگ و توله با کتبه تواب  
 ترکیب و توله پوست انار توله موصلی سیاه و توله و موصلی سفید و توله  
 لم کس و توله میلا مول و توله سپاری و توله کتبه سوتبه و توله  
 اجوائن و توله نارچیل کتبه و توله موته و توله بال چتر و توله ماز و  
 و توله پهلای بویل و توله چمال گوندمی و توله چمال بویل و توله پیرای  
 و توله این همه را در پانزده انار آب جوش داده آب صاف گرفته صبح  
 شام آبست نمایند **تولید اللب** زیره سفید و توله سیاه گاو  
 چسار توله روغن ماده گاو چسار توله مسکه شش توله شش ماشه  
 نیجات توله الانچی خرد توله ناکیر توله بیل توله سوتبه توله زیره سیاه موته سوگنده بال  
 توله رسوت توله کشیز توله زرد پوب توله چیل چتر بال توله نسلو جن کی بود

لوشی اطفال مجوزة حکیم الملوک گل نمفته ماشه گل سرخ ماشه نیلوفر  
 ماشه عناب اشلب ماشه عناب یک دانه سبستان دو دانه موزین منقته  
 دو توله اصل السوس مقشر ماشه شب در آب تر کرده صبح جوشانیده  
 مالیده صاف نموده فلوس خیار شیر توله ترنجبین توله دران حل کرده  
 صاف نموده شیر مغز بادام شیرین ماشه اضافه نموده بنوشانند  
**العیت** ترکیب گهشی که از وضع حمل برای طفل مستعمل باد بیان  
 چهار سرخ گاوزبان چهار سرخ اصل السوس مقشر و سرخ  
 گل سرخ و سرخ عناب دو دانه موزین منقته یک دانه عود صلیب یک سرخ  
 و عرق گاوزبان سه توله عرق باد بیان دو توله ثلث گرفته معر فلوس  
 سه توله گلند آفتابی نه ماشه حل نموده بنوشانند و **امراض**  
**مخصوصه مروان** بر چه مستعمل شده همچون برای قوت باه  
 و از ویاد منی مغز پسته دو توله مغز چلخوزه دو توله مغز بادام شیرین  
 دو توله مغز گردگان دو توله مغز فندق و دو توله مغز نار حیل و دو توله  
 حب السمنه و دو توله شقاقل مصری و دو توله ستاور و دو توله تخم قلح  
 دو توله سبب اتوله قر نعل توله جوز بویه توله عاقر قرع اتوله تخم شمشاق  
 کبراتی نه ماشه مغز پسته دانه چهار توله خولجان تازه دو توله مغز تخم مغز  
 چهار توله مال کنگنی توله خوابانی توله کشمش نیم پاؤ انجیر زرد و دو توله

کوفتی را کوفته بخیه در حسل وقت سفید بقوام همچون سازند در آنجا  
 توام ورق نقره ورق طلا محلول سازند مقدار شربت بکتوله با عرق کبوتر  
 بختوله و مرابای سیب توله باطله بکعبه غذا سازند خاکینه بخیه مرغ یا  
 مغز کنجک بریان و بوقت شب شیر برنج خربا آمیز الصیت  
 مصطکی روی شش ماشه موصله سینبل و و توله تخم او شکر و و توله  
 تووری گلگون و و توله اندر جوشیرین توله بیج بند سیاه توله سمنه  
 توله زنجبیل توله زعفران هشت ماشه تیج بل توله دن مست توله  
 مغز تخم کوا بیج توله پلنگ نور توله کبلی کبیل و و توله کف سیاه و و توله  
 کوالوری و و توله بار یک سووه و و توله سفید بقوام آرنه و یا جله را سفید  
 نموده هموزن نبات آمیخته با شیر ماده گاو خالص علی الصباح استعمال  
 نمایند جلوا گذر مجوزه حکیم مدوح گذر از استخوان پاک ساخته  
 در شیر ماده گاو پنجه از انگریم شسته در بادون چوبی کوبیده و در عرق کبوتر  
 سائیده و قند سفید بقوام آورده مغز بادام شیرین بختوله مغز کدو  
 بختوله مغز پسته بختوله سائیده آمیخته بستر جلوا سازند زعفران  
 سه ماشه مشک خالص ماشه عنبر اشوب ماشه آمیزند در ظرف چینی  
 نگاهدارند الصیت جلوا گذر بطریقه دیگر کوبیده باب پرنده و با  
 حسل بقوام آرنه و در روغن زرد شش توله مغز چغوزه



چهار توله مغز گردگان چهار توله مغز بادام شیرین چهار توله مغز فندق  
 چهار توله مغز پیسته دو توله همه را نیکو کوفته مویز منقحی توله کشمش توله خوبانی پانزده  
 انچه زرد و پانزده دانه همه را پوستور و داخل سازند و حلوا الطور معروف  
 تیار نمایند حلوا از روک زردک از پوست دانه استخوان پاک کرده شکریه  
 و دانه با محسل مغز بادام نیم پاپ و مغز چلغوز زده جوز الطیب توله زنجبیل توله  
 قرنفل توله شقائق معصرے توله دانه الاچی کلان و خرد توله مصطکی توله  
 بسباسه توله زعفران شش ماشه مشک خالص ماشه بطریق معلوم حلوا  
 سازند و خوراک و دو توله ورق قوت باه و کثیر منی و دافع امراض  
 بلغمی و غیره این ترکیب تجربه بر اقم در آمده و اکثر بفریزان و مجان  
 و اوده میشود و بیشتر استهائهم افزوده و تعلیظ و تنقیط هم نموده و دیگر  
 فوائد نیز آمده منقحی و توله دارمی که چند تر گندمی و دو توله منقحی و دو توله اسکندر کور  
 چهار توله گوگرد خرد و دو توله بیون پهلی چهار توله مال کلهانا چهار  
 موصله سینبیل چهار توله شمر بیول و دو توله گل بیول و دو توله بیج بریار  
 چهار توله پوست بیج سنکها بولی چهار توله بیج گل چهار توله تخم کونوب  
 چهار توله همه را جو کوب نموده و در ظرف کلان که در پارچه گل حکمت گرفته  
 خشک ساخته باشند بگذارند و آب بهشت چند ادریه انداخته باکش  
 چوب و پاک نزد تا که مبراشود پس بدست مالید و از صفائی بگذراند

و آب گیزند و فعل را دور نمایند عبده روغن گاو و نبات مذکوره ریخته  
 باقیش نرم پزند و تا آب برود و روغن باقی بماند باز از شیر گاو که بود بکنند  
 عسل خالص نیم پاد نبات سفید پا و شاد عرق کپور زده و ده توله هر سه را قوام  
 سازد و روغن دکمو و ده در آن قوام بیامیزند و مشک گشته اول داخل  
 کند عبده مغز نارچیل و دو توله مغز پسته چهار توله حب السمه و دو توله خرما  
 و دو توله بویز منقی و دو توله کشمش زرد و دو توله مغز چغوز زده و دو توله زنجبیل  
 توله دار قفل توله ناک کبیر توله سباسبه و دو توله ستا و چهار توله  
 جوز بوا چهار توله حج قلمی و دو توله مال کنگنی و دو توله مغز سنبل چهار توله  
 مغز خشکدانه و دو توله عود غرقه و دو توله زعفران شش ماشه سینه سینه  
 نه ماشه طباشیر کبود چهار ماشه کوفته جویه بر میزند و در قلی بپزند و تا  
 ورق طلا چهار ماشه محلول سازند و در قلی با آب پودر طلا بپزند و تا  
 و در ظرف چینی یا فزّه با شیش نکند و در قلی بپزند و تا با آب پودر کبیر  
**باب بحر** هر که از این پودر در قلی بپزند و تا در قلی بپزند و تا  
 خراطین خشک توله پیر بونی توله نویشت سینه بوتر نیم یا پودر  
 قر قفل نه ماشه مال کنگنی و دو توله عود غرقه و دو توله پودر نوب یک نموده  
 چوب پیر عقده از قضیب چسباننده مثل کباب تیار نموده و بعد تیار  
 آن چوب با دوه نموده و بچای چوب قضیب حقه گذاشته داخل

نمایند و اندر لیسان خام بر بندند و کباب را احتیاط دارند که سرد شدن  
 نیابد و اکثر این اجزاء را دیگر زیاده نسزدوده اند زرده بیضه مرغ که عود  
 سیاه بفت باشد کنجد سیاه توله گونگی سفیدشش باشد بستور در کباب  
 آینه بر بندند علی رسم المعروف و اگر آینه بلدی سه ماشه و افیون و ماشه  
 و خشکاش شش ماشه هم آمیزند و ابا باشد **الصیتا** چربی شیر  
 پنجدرم چرب باغری پنجدرم چربی عنوک پنجدرم پیره بونی پنجدرم  
 جوز بوا پنجدرم خراالین درم زهر بچیناک درم زهر تیلیه درم زهر طینه  
 درم گونگی سفید درم جذب پیسته درم قو نقل دو درم عاقر قرحا  
 دو درم سببانه چهار درم مال کنگنی دو درم مهرک گوش آدمی دو درم  
 شجرف توله زفت رومی توله بیخ کنیر سفید دو درم کشره نرگس دو درم  
 مغز عنوک جنگلی چهار عدد و ز لوسی خشک هفت توله مغز کنجشک خانگی  
 شش عدد و بلا در چهار عدد و مغز چربی سائده چهار عدد و بوله چهار درم  
 مصطکی رومی دو درم همه را یکجا گرفته و دوازده پاس کهرل سازند  
 و جمله را در شبیه مضبوط نگلی حکمت مانند چوده چکانند پس اسک  
**کسته اعصاب** براده و ندان فیل پنجدرم آینه بلدی  
 پنجدرم نرگس پنجدرم گوشت حلوان پنجدرم کنجد سیاه پنجدرم  
 شیر میش تر کرده تا همه شیر جذب شود پس چهار پونگی بسته یک پوست

و شیر مین کرده تا چهار روز سنیک نماند بر اسی مخلوق و سستی باه بخت  
 خراطین خشک شش توله بیر بوئی چهار توله براده و ندران فیل دو توله  
 سم اسپ مشک و دو توله کلتهی دو توله جوز و دو توله قر نفل و دو توله جو ترمی توله  
 اجوائن و سی دو توله اجوائن خراسانی دو توله جمال گوته چهار عدد و  
 مال کنگنه پنج ماشه شیر میش نیم پاونسه پونلی سازد و در شیر گرم شوده علی الصبح  
 تمکید سازد و تمکید و کیر تخم بید اینچ سده ماشه تخم و پانزده سیاه سده ماشه  
 حلیت سده ماشه پنج کیر سفید شش ماشه قر فیون سده ماشه سبز مید سسته  
 سده ماشه تخم باد نجان و شش سده ماشه نه لوم و خشک و نه و کپور و نه  
 پیاز زکس شش ماشه بسبب سده شش ماشه دانه جبه سفید شش ماشه  
 زردی بیضه مرغ بریان چهار عدد و نه و پیرا کوفته بخت و بر پارچه  
 بسته سده پونلی بند و هر روز تا کوهه و در شیر میش گرم کرده سنیک نماند  
 بعد تمکید آنبه بلدی و و ماشه و حلیت سده ماشه جاد ترمی و دوشه بار یک  
 سائیده سرمد سائوده بالای قضیب پاشیده بران لنگ بند  
 بسیار متعین است و اگر پونلی بار وزن افزوده زیاده تیار نمود  
 بجل آرد بهتر است **الصیغ** چربے شیر خچدرم چربی خنزیره  
 خچدرم بیر بوئی ورم چربے غوک خچدرم جو نه بو ایک ورم  
 خراطین یک ورم زهر میش یک ورم زهر قینیه یک ورم گوچه

سفید یکدم فزایدتر یکدم قنفل و دوام عاقرقره یکدم بسیار و دوام مالکنگنی یک  
 گوش انسان و دوام زفت رومی یکتوله شجرت و دوام پنج کتیر و دوام کتیر سفید  
 و دوام منزهوک چهار عدد چنگلی زلوی خشک هفت عدد منزهوک خانگی شش عدد باد و دوام  
 منزهوک بی سانه و دو عدد منزهوک یک عدد نوله مصطکی رومی و دوام همه اگر گفته یکبار کرده  
 و دانه پس کهرل سازند و جله او شیشه مصنوعه لعل حکمت مانند چوده چکانه ایضا طلا بسیار  
 چند که برای حضرت خلد مکان تجویز فرمودند و بسیار سفید و مجرب است آنچه شیرین بوسن پیه فوک  
 یک یکتوله میل گوش آدمی ششماشته میل گوش فیل است ششماشته زلوتنه عدد و در خصیه خرساها  
 پسته پسته خراطین خشک یکتوله بیزه موی ششماشته عطر ناکیه ششماشته چوده ششماشته تخم باد بجان  
 ششماشته کلان فلفل درازشش منزهوک خشک پنجه و براده هم اسپ ششماشته زهر مرغ  
 سه عدد و لوبان کوز یا ششماشته قنفل ششماشته مال کنگنی ششماشته کنجد سیاه دو ماشه نارچیل  
 ششماشته کهنه موم زردشش ماشه منزهوک دانه ششماشته مینگ ششماشته او و به را گفته  
 بیخته چوبی در اتوبیا بیخته پنده سازد و یک ماهی رهوتازه که در وزن از دو  
 انار کم نباشد گرفته شکستن چاک کرده همه امتداد احتیاج آورده دوادوران نماند  
 شکستن از ابریشم بدوزد و ان را در سبوحه کلان که آن مقدار فرو رفتن ماهی  
 شکسته باشد ماهی را در رونه دران نهند که سر ماهی قدری از دهان سبوحه  
 برآید و کوندری کننده طرف چینی یا شیشه محاذی و دهن سبوحه بار دوگر و اگر  
 سبوحه پانزده انار یا چکد سبوحه انار کرده آتش دهد تا همه با چکد سوخته شود

و آنچه از ذهن ماهی در ظرف چکد آنرا بر داشته نگاهدار و در یک قی از آن  
 وقت حاجت بر برگ قبول ننگه مالیده پاره شده خام شبانه بر عضو بندند اگر عارض  
 قوی باشد سه هفته و الا دو هفته تا یک هفته اعصاب را بسیار سخت میکند احتراز  
 از پیاده رفتن و مباشرت و آب ساندست با نافع است ترکیب دیگر که بهتر از طلاست  
 پنج سیاه توله رنگ توله جاف نخل چهار توله عاقر قرحا دو توله سبابه  
 دو توله دانه الایچی خورد توله تخ قلمی دو توله اقیون شش سرخ کنخشک  
 نانگی چهار عدد و چهار عدد و یک سائید و در شکم کنخشک مذکور که صاف کرده باشد  
 بپزند و از رشته محکم و وزند و در شیر ماده گاو پاژار باز و عن زرد خوب بریان  
 سازند که سرخ رنگ گردد و بعد از آن آورده در شدت خالص که قوام کرده باشد  
 بگذرانند و هر روز در ایام سرد با یک کنخشک بخورند و در عن مذکور که باقی ماند  
 بر اعصاب تخریب مالش نمایند ترکیب دیگر اینست جز نکند و اندرون  
 خالی کرده نگاهدار و بعد از حضرتان یک و نیم ماشه سبابه ماشه تخ قلمی ماشه  
 جوز ماشه مصطکی رومی ماشه اقیون ماشه عاقر قرحا ماشه قر نفل ماشه مشک خالص  
 ماشه کوفته بخیه در نوجو خالی بپزند و اگر اندوه به مذکور خالی ماشه براده جوز بپزند  
 و هفت عدد کنخشک ز خاکی را در پنج عدد صاف کرده در شکمش جوز مذکور  
 رساده براده جوز که باقی مانده در شکمش بر کرده خوب دوخته شده و  
 در شب با آب خالص نگاهدارند و بعد از آن در عن زرد بر بیان نموده

و شکر خالص نمازند و هر گاه مرید بیمار شود در ایام سرما یک گنجشک خور و در عجز  
 مذکور و بدستور طلای نمایند **سرعت الانزال و جریان المنی گل و باد**  
 گل پسته گل فوفل مصطکی براده شکر اسکندناگوری براده تخم تمر هندی گوند سنبل  
 گوند بیول گوند دهاک تخم کنول گوند شربول گل بیول چمال بیول برگ بیول شربول  
 براده صدف خام کمر کس و باد کونیل درخت پلاس کونل بیول برگ ستاوریست  
 درخت انجیر باغی پوست درخت کرفه زرد می نیلوفر همه با یک سائیده سفوف سازند  
 و نبات هموزن اوویه آمیزند و با شیر ماهه گاو استعمال نمایند **اصطیبارک گنجشک**  
 قیر سفید طحلب مسوق بریان زرد و تال کمانا گل بیول موصلین گل فوفل تخم خرفه  
 تخم تمر هندی شیر برگد تر نموده در سایه خشک ساخته که از مزاج تخم گاهومی معطر  
 کثیر خشک نبات سفید کوفته بجزیه سفوف سازند اول سه مرتبه سفوف خورند بعد  
 شیر بز با عرق کنیوره بنوشند **اصطیبارک** خرما می خورند یکی روز شیر بخورد و یکی روز  
 شیر برگد سومی اورش سنبل و چپاسی را در شیر گولر تر کند و همه را در شیر ماهه  
 بخوشانند بعد از آن براده سپیدی چینی اندازند چون نیم آثار شیر نماید و او  
 همراه شود تال کمانا براده تخم شمع دهاک خود بریان نبات پرورده داخل تمام  
 نموده بدستور معمول حلوا تیار سازند خرداک تا چهار توله از تخم نبات و غیره  
 نمایند **سرعت الانزال و سوزش منی سفید که مزاج طباشیر کمبود زهره و سوزش**  
 تال کمانا بیج بند زرد گنجشک پوست بیرون پسته بیج گل فوفل

ششاشه خسته ترندی دو قوله در شیر برگد تر کرده در سایه خشک کرده و صلی سفید  
 چهار شاه شتاقل معری چهار شاه شعلب معری چهار شاه نبات سفید چهار قوله کوفته  
 بنیة سفوف سازند نسجه های که در اعراض بواسیر و مسه تجویز فرموده اند  
 برای بواسیر رسوت شاهه منخرتم سبب دو ماشه دم الاخون که برای شمی دو ماشه  
 گل رنی دو ماشه منخرتم کائن دو ماشه رشیه برگد دو ماشه آب گرونده بقدر خود خوب  
 سازند طولی بواسیر برگ عنب اشلب یک چنانک برگ کاسنه یک چنانک  
 عنب اشلب یک چنانک تخم کاسنه سه قوله بزکشان چهار قوله گل با بونه چهار قوله  
 برگ کرم در آب جوشانیده طول سازند برای بواسیر مسه ورق نمنک  
 یکتو کتبه سفید چهار شاه حصفن مندی دو ماشه گل نیلوفر ششاه صند سفید چهار شاه  
 گل خلی ششاه کوفته بنیة آب کاسنه در آب عنب اشلب بزکریه بسته سفیده  
 تخم مرغ انلاخته روغن گل جرب نموده به بند طلاکے برای مسه گلنار  
 دو ماشه رسوت دو ماشه گل ارنی دو ماشه جد و ارخالص سفید دو ماشه  
 سفیده تخم مرغ سائیده حب بقدر کنار و شتی ساقه نگاهداند برغن گل سائیده بزکریه  
 و ملایم مضمحل شود بخیر حصفن ششاه ورق قنب نه ماشه پلیه سیاه سه ماشه سندریل  
 سه ماشه دم الاخون سه ماشه کوفته بنیة بر آتش نشد و دو آن بهای بواسیر است  
 ایضا گلنار قاسی یک چنانک برگ صد برگ یک چنانک مائین جو در رشیه برگ  
 برگ مسک یک چنانک در آب جوشانیده استجا سازند لیب و اسیر و وجع المقه

عناقل قول



و اگر برین پیله آب گرم شسته که برای شمع و گیاه شده زهره و خطای یکیش  
 پیا شیره و یکیش دم الا خون یکیش سوده شسته درق مکره و چیده بخورند عقب  
 آن شیره برگ صد برگ چهارم شیره و پنج انجبار چهارم شیره و بوالسوس  
 چهارم شیره و تخم خرفه ششاشه گرفته شربت بنویسند و فرود شربت انجبار توله حل کرده  
 بنوشند استرخانی مسه بوا سیر و خروج مقدر را مفید جفت بلوط ششاشه  
 ماز و فشار کند سوخته ششاشه گلنار ششاشه شاخ گوزن سوخته ششاشه مروارید  
 ششاشه صدف سوخته ششاشه اقلیمیا ششاشه فخره صلابه کرده استعمال  
 در درناید اطریق مقل برای بوا سیر پوست پیله دو توله پیله سیاه  
 پوست پیله زرد دو توله پوست پیله کابی دو توله آمله منقه دو توله گلرنگ  
 دو تون افیتون نه ماشه معطله نه ماشه مثل مندی نه ماشه عود خام کوفته نیمه  
 بروغن گاوچرب نموده در شکر سفید یک آمار بقوام همچون آورده او در پلا  
 اندک اندک پاشیده نگاهدارند و مقل را اول در آب گندنا یا آب برگ  
 ترب محلول ساخته در قوام ریزند نسخه برای که در ادویع مفاسل  
 و نفوس و غیره دور و شانز دور و پا و دور و پاشند و غیره تجویز فرموده اند  
 مویز الفاصل برگ باد و خبث پیشش ماشه عنب الثلب شش ماشه کل ثقبش  
 ششش ماشه برگ گاوزبان ششش ماشه پوست بچ کاسنی ششاشه  
 سورنجان شیرین سه ماشه قصب الذبیره بعرق عنب الثلب

پانزده توله تر کرده دست مالیده شربت بزوری بار دو توله ریخته بنوشند  
 اینست الوجع المفاصل عنب الثعلب شش ماشه سوز منقی پانزده توله  
 تخم خطمی شش ماشه اصل السوس مقشر چهار ماشه گل نیغشته شش ماشه عناب  
 پانزده توله شب در عرق عنب الثعلب توله عرق گاو زبان پنج توله گرم عنب پانزده  
 توله ساخته آب عنب الثعلب مرق پنج توله شربت نیلوفر دو ریخته بنوشند  
 همچون سوز رخسان برای درد مفاصل مخصوص پوست هلیله در دو  
 چهار توله سناکلی شش ماشه گل سرخ دو توله پوست هلیله کابلی چهار توله  
 پانزده توله سرخ توله منقر تخم چارمین توله برگ کنجار توله کنج سیاه توله  
 منقر تخم خربزه توله سوز رخسان شیرین دو توله هلیله سیاه چهار توله  
 زله منقی چهار توله بوزیدان دو توله شیطرح هندی دو توله زبد البحر  
 دو توله کوفته خیمه سوز منقی یکوزن قند سفید دو چند هلیلهات برهمن با هم  
 شیرین چرب بنوده عقوام همچون آرنج برای مفاصل حاصل بر او چینی  
 چهار توله عاقر قره شش ماشه سوز رخسان تلخ نه ماشه سوز رخسان  
 شیرین نه ماشه بوزیدان هفت ماشه برگ خانه ماشه برگ جاون نه ماشه  
 پنج منق شش ماشه بزرگمان نه ماشه خلبه نه ماشه چراته نه ماشه برگ درنجوت  
 نه ماشه کله سه عدد گل بابونه خشک نه ماشه اکلیل الملک ماشه مزرنجوش  
 هفت ماشه شسته هفت ماشه سنبل الطیب هفت ماشه دار چینی هفت

سکنه هفت باشد و در هفت باشد و در خالص شش باشد و مطبوخ و در  
 نه باشد و در شیشگان نه باشد نیکوب و در عرق عنب الثعلب و عرق بادیان باوند  
 جو شانیده مالیده صاف نموده آب برگ سنبل الو نیم آمار آب برگ زردک پخته  
 روغن چینی یا و نار سرکه خالص و نار بر آتش نهند تا آب سوخته روشن  
 بماند انیون آمیخته با کاه بارند نیکو گرم کرده بالذ صفا و عود و در خطائی شش  
 حنظل هندی شش باشد صدلین توله تخم مصلی شش باشد سورنجان تخم  
 شش باشد در آب برگ عنب الثعلب سوده شکر گرم صفا نمایند روغن  
 آب برگ عنب الثعلب توله آب برگ حنا ~~توله~~ آب برگ زردک توله  
 آب برگ سنبل الو توله روغن کنجد سیاه آمیخته بالای آتش گذارند  
 تا آب سوخته روغن با نوبه وضع و جمع بالذ منضج لوجع المفاصل  
 تخم کوزه نه باشد تخم خیار بن نه باشد بادیان نیکو فته حبسار باشد گل سرخ  
 شش باشد عنب الثعلب شش باشد تخم زردک شش نیکو فته موزیر سفی  
 دو انزده دانه بیکاسنی شش باشد نیکو فته برگ گاو زبان چهار باشد  
 پر سیاوشان شش باشد اصل السوس مقشر حبسار باشد سورنجان شیرین  
 توله شب و در عرق عنب الثعلب پانزده توله عرق گاو زبان خیسانیده  
 مالیده صاف نموده با عصاره گل قند آملی جو شانیده صاف ساخته  
 نبوشند در مسهل فلووس خیار شیر شش توله ترنجبین دو توله

شیر خشک ۲ توله شیر باوام ششماشته اضافه نمایند همچون چوب عینی بجز  
 و یک چوب عینی ده توله حود قاری دو از ده نیم توله اشبه سافج هندی بگیریم  
 توله بجز بوی یک نیم توله ایون یک و نیم توله خولجان یک نیم توله قند سفید برابر  
 او و عسل خالص سه وزن او و بیه کوفته سبزه شسته همچون سازند همچون چوب  
 چینی در و معاصل و در و اعضا و تقویت دل و مانع و از و باد و باه و تواتر  
 باستمال عنایت علیخان آمده مجوزه جناب و ستادی مغز چغوزه مغز باوام  
 دو توله مغز نارچیل دو توله مغز حب لزلم دو توله مغز فندق دو توله مغز سیب و توله  
 مغز گردگان دو توله ~~مغز~~ ریزه دو توله جد و اخطائی دو توله مشک عنبر  
 ماشه یا قوت در و اریده ماشه <sup>طی</sup> سفته ماشه کبریا <sup>شش</sup> نه ماشه ورق طلا  
 نه ماشه عسل حل کرده ورق نقره یک توله محلول عسل مصطکی نه ماشه زعفران نه  
 ماشه حود قاری نه ماشه صندل سفید شش ماشه بوزیدان دو توله سورخا  
 شیرین دو توله شاقول مصری دو توله قرنفل عاقر قارص رنبا و در و نج  
 عقر بے سبیل الطیب سحر کونی آله در شیر پرورده <sup>سه</sup> قند و <sup>سه</sup> عسل  
 بالمناصفه بدستور همچون سازند و با احتیاط بلنج نگاه دارند بعد از  
 چهل روز بخورند ایضا گل بابونه خشک شش ماشه سورخا شیرین  
 ششماشته سبیل هندی شش ماشه حب المتطب دو توله خاکشی یک توله  
 بار یک ساخته نیم گرم هر دو معاصل بالند شیرین برگ ششماشته

تخم شاه تره ششش داشته تخم چهارین ششش داشته نیکو فته سور بخان شیرین عداشته  
 پوست بیخ کاسیخته ششش داشته عنب الثعلب ششش داشته بعرق عنب الثعلب  
 بانزوه توله خیساییده مالیده صاف نموده آب عنب الثعلب بنبره برق بخوبله  
 شربت بنزوری دو توله حل کرده نیم گرم بنوشند روغن برای مفاصل  
 گل بابونه دو توله سور بخان تلخ دو توله بیخ نغشسه دو توله تخم خستل توله بزنجار  
 توله زنجبیل توله بیخ فی چهار توله کچله توله براده نموده کلل الملک توله ادویه  
 نیکو فته شب در آب تر کرده صبح جوشانیده صاف نموده روغن تخم کنان  
 نیم پاور روغن کبچر پادار آب برگ خنا بخوبله آب برگ شبت بخوبله اضافه  
 نموده پزند تا آنها سوخته روغن بماند روغن برای دفع نفوس  
 تخم چهارین عداشته تخم خزبه ششش داشته خانجک ششش داشته سور بخان ششش  
 ادویه نیکو فته ششش بعرق عنب الثعلب تر کرده صبح مالیده صاف نموده  
 شربت بنزوری نیمه بنوشند صفا سور بخان تلخ ششش داشته قصب الزهره  
 ششش داشته کاسیپل سماغه گیر دو داشته در آب عنب الثعلب بنبره ساید شیر  
 گرم ضاوساز و برای دروپا عند سرخ دو داشته حنض هندی  
 دو داشته گل ارمنی دو داشته سور بخان تلخ دو داشته بزکنان داشته گل بابونه  
 دو داشته گل سرخ دو داشته آب عنب الثعلب سوخته نیم گرم ضاوسازند  
 سرکه خالص ششش داشته در روغن گل آمیزند برای سوزش ساق

آب خاتوله برگ کاسنی منبر توله و در روغن گل دو توله سرکه خالص شش باشد  
 با هم آمیخته بالند برای سوزش ساق و غیره آب کدوی و لادن توله  
 روغن گل توله مغز تخم کدوی شیرین توله تخم کاهو توله آب برگ کاسنی توله  
 آب برگ پالک توله با هم آمیخته برکت پاها و ساقها بالند برای وجع ظهر  
 عنب الثعلب چهار باشد برگ گاوزبان سه باشد اصل السوس مقشر سه باشد  
 نیکوفه بادیان نیکوفه سه باشد تخم خطمی چهار باشد عناب پنج دانه در عرق  
 پانزده توله عرق گاوزبان ده توله جوشانیده مالیده صاف نموده گلقد افشان  
 سه توله حل کرده بنوشند لوجج الورک پوست بیخ کاسنی شش باشد تخم کاسنی  
 شش باشد نیکوفه گل سه شش باشد برگ گاوزبان چهار باشد تخم خطمی  
 شش باشد برگ جاشش باشد سورسجان شیرین سه باشد آلو بخارا نه دانه  
 گل بغیسه شش باشد شب در عرق عنب الثعلب پانزده توله عرق گاوزبان  
 پانزده توله گرم تر نموده صبح مالیده صاف نموده شربت بزوری دو توله  
 حل کرده شیر گرم بنوشند روغن مرکی باشد افیون خالص باشد سورسجان  
 باشد بار یک سائیده روغن گل توله روغن بازونه توله آمیخته نیکوفه برگ  
 بالند برای وجع عصب دست مفاصل برگ سببها لو پنجه برگ شب  
 نیم پاو برگ کاسنی نیم پاو برگ زرد نیم پاو گل بابونه شش توله بزردگان  
 دو توله گل میسود و توله در آب جوشانیده نطول سازند البصفا

برای دوروشانه آب برگ کاسنی و دو توله آب برگ حنا و دو توله آب برگ کاسنی  
 و دو توله روغن کنجد چوبه در ظرف مسی سوزانند تا آب سوخته روغن بماند بر آن  
 دوروشانه بلغمی مرکی باشد مبعده ساکن باشد خندید استر باشد سورنجان تلخ  
 باشد روغن بیل توله و چوبه توله با یک سائید و نیکرم بالذالین  
**منضج برای دوروشانه و خدر و فساد خون عصاب و لاتی پنجه اند**  
 برگ شاہتره شش ماشه چرائه شش ماشه مندمی شش ماشه برم و زنده کس  
 شش ماشه تیل کنشی شش ماشه تخم کاسنی نه ماشه نیکوب تخم حیارین نیکوفت  
 نه ماشه خار خشک خرد شش ماشه تخم خرزهره نه ماشه نیکوفت پوست بوجا  
 شش ماشه بادیان شش ماشه نیکوب برگ بادرنجوبه شش ماشه گل بنفشه شش ماشه  
 سپستان و دانه تخم خطمی شش ماشه حیا زمی شش ماشه اصل السوس  
 شش ماشه برگ گاوزبان چسبا ماشه گل سیونی چهار ماشه آومی بخار اوده  
 گل سرخ توله شیر خشت ولاتی پنجه تله ترنجبین خراسانی پنجه تله بقرق  
 مالیده صاف نموده گل قند آفتابی و دو توله گل کرده نیکرم نبوشند نسخه مسهل  
 لوبح جمیع البون مع سودا و یه المزاج عنب الشلب شش ماشه پریاوشان  
 شش ماشه برگ گاوزبان شش ماشه گل بنفشه شش ماشه تخم حیارین نه ماشه  
 آومی بخار اوده و از دانه تخم خطمی شش ماشه سورنجان تلخ شش ماشه  
 سورینتی پائزوه دانه برگ شاہتره شش ماشه رات خطمی شش ماشه

پنج اجزای شش باشد اصل السوس مقشر شش باشد پیکوب برک خابفت باشد  
 عناب هفت دانه سپستان پانزده دانه شب در عرق عناب الشلب یک دانه  
 گرم خیسانیده صبح بالیده صاف نموده گلقد آنکافی سه توله متر غلوس چهار شنبه  
 شش توله ترنجبین چهار توله شیر و مقر بادام شیرین شش باشد ریخته شیر گرم  
 بنوشند روغن بجز است برای در و احصا عیون الدیک نیم پاد جو کوب  
 نموده پوست دور کرده شبانه روز در آب خیسانیده بعد از در و نیم آنار  
 روغن کند بچوشانند تا آنکه گوچی سوخته سیاه شود بعد از آن نک ساسنر  
 دو دام آب چاه جمل و هشت دام و روغن مذکور انداخته و همه را در هم خشتا  
 و ز طرف آهنی با شش نرم جوشانیده تا آب و نک سوخته شود و روغن  
 بماند و احتیاط کنند که روغن نسوزد و در شیشه نگاهداشت وقت حاجت  
 بکار بر و بوضع العقرب سورنجان تلخ شش باشد و روغن بابونه توله  
 و غمگ توله سوده شیر گرم ضاد نماید بوضع البار و فی الفخر عاقر و ما  
 سوده بر روغن بابونه سه توله ملکه و باله ضما و در پانصد سرخ دو باشد <sup>صفت</sup> صفت بندگی  
 گل ارمی بزرگ کتان گل بابونه سورنجان تلخ گل سرخ باب عناب الشلب بنسوده نکریم  
 ضاد سازند سرکه خالص شش باشد و غمگ آسیند برای نقل <sup>صفت</sup> نقل <sup>صفت</sup> نقل <sup>صفت</sup> نقل  
 بزرگ عناب بزرگ جواد در پنج آنار آب جوشانیده در مکان گرم یاد شمس نشسته پا او  
 نقل آب نماید برای شوق و مست و پا آب کاسنی بنسوده توله



آب حنانه توله آب کا بوسته توله آب عنب الشعلب سبز که توله شیر بز که توله  
 روغن کنجد سیاه نیم پا و آمیخته بر آتش گذارند تا آب سوخته گردد و روغن  
 بماند و روغن منگردد و دو توله روغن خشکاش دو توله آمیخته نگا پارند ایضا  
 برای ورم پا تخم خلی ماشه عنب الشعلب دو ماشه گل نرفته دو ماشه گل بابونه دو  
 تخم کاسنی دو ماشه بز کتان دو ماشه آب عنب الشعلب آب کاسنی سبز کرده  
 و شکل توله نمک صناد سازند نسجهها سیکه در امراض حمی تجویز نمودند برای حمی  
 و صدراع گل نیلوفر شش ماشه گل نرفته شش ماشه تخم خیارین نه ماشه نیکو فستق  
 تخم کاسنی نیکو فستق نه ماشه آومی بخاروده دانه شب در عرق عنب الشعلب پانزده  
 عرق گاو زبان چهار توله گرم خیا نیده صبح مالیده صاف نموده شربت نیلوفر  
 ریخته شیر گرم بنوشند ایضا شیر و مغز تخم کدو شش ماشه لعاب بهمانه چهار ماشه  
 آب الو بخار هفت دانه عناب پنجاه شیره تخم خلی شش ماشه در عرق عنب الشعلب  
 پانزده توله عرق گاو زبان چهار توله بر آورده شربت نیلوفر دو توله حلکوه بنوشند  
**لحمی الصفراوی تخم خیارین نه ماشه شیره مغز تخم کدو نه ماشه آب الو بخارا**  
 ده دانه در عرق عنب الشعلب نه ماشه عرق گاو زبان چهار توله بر آورده شربت  
 ریخته بنوشند **مسهل لحمی الصفراوی گل نیلوفر شش ماشه**  
 گل نرفته شش ماشه تخم خیارین نه ماشه نیکو فستق تخم کاسنی نیکو فستق شش ماشه  
 عناب هفت دانه سپستان دوازده دانه کمر بندی دو توله برگ گاو زبان